حالات منتظران : گنج هاي پنهان

حاج شيخ علي فلسفي لطفي زاده

اگر گرد و غبار زندگى مادى روزمره را از چشمانمان پاك كنيم و كمى بهتر به اطـرافـمـان بنگريم، خواهيم ديد كه فـراسـوى هـياهوى زندگى مادى ما، مـردانـى از تبار آسمانيان، در بين ما زندگى مى‌كنند.

 رجال بلند مرتبه‌اى كه هرچند ما حتى نـام اكـثر آن‌ها را هم نمى‌دانيم، اما آن‌چنان قدر و منزلتى در درگاه الهى دارند كه اگر قداست ارواح اين مؤمنين نبود، هر آينه سيلاب بلا همه‌ى اهل زمين را در خود غرق مى‌كرد. ‌ ‌

 گـنـجـيـنه‌هاى علم و معرفت اهل بيت(عليهم السلام) كه وجودشان سبب خير و بركت و ريزش رحمت الهى بر اهل زمين است.

 مردانى كه تمام عمر خود را صرف كسب علوم خاندان عصمت(عليهم السلام) و اجتهاد و تفقه در دين مى‌كنند و در زندگى خود هيچ دغدغه‌اى جز حفاظت و صيانت از دين و ايمان مردم ندارند.

 علما حافظان ايمان مردم

 مَثَل مردمى كه در خواب غفلت‌اند، هـمـانـنـد گوسفندان خوابى است كه هجوم هزاران گله گرگ را حتى حس نـمـى‌كنند، اما علما همچون شبانى، شب و روز در تلاشند تا اين مردم را بيدار كـرده و با استفاده از معارف خاندان عـصمت و طهارت(عليهم السلام) ريشه‌ى جهالت و گمراهى را در آن‌ها بخشكانند و ايمان و اعتقاد آن‌ها را در برابر حملات شياطين ايمن و محفوظ نگه دارند.[1]

 اگـر نـبـود وجـود پاك اين علماى وارسته هيچ يك از ما مردم آخرالزمان نبود، مگر اين‌كه كافر و مرتد مى‌شد و حتـى يك‌نفر با ايمان در زمين باقى نمى‌ماند.[2]

 هرچند بسيارى از اين بزرگان و علماى وارسته، در نزد مردم ناشناسند و مقام و كمالاتشان بر مردم پوشيده است، اما نزد پروردگار متعال و اهل بيت عصمت و طهـارت(عليهم السلام)، از جايگاه و منزلت ويـژه‌اى بـرخوردارند؛ كه آيات قرآن و فرمايشات و روايات معصومين(عليهم السلام) مؤيد اين ادعا است.

 فضيلت علما در روايات

 اهل بيت عصمت و طهارت(عليهم السلام) در فـرمـايـشاتى، مقام والاى علما را اين‌طور وصف مى‌كنند:

 »ان مثل العلماء فى الاْءرض كمثل الـنـجـوم فـى السماء يهتدى بها فى ظلـمـات الـبر و البحر فا؛ذا انطمسَت اْءوشـك اْءن تـضـل الـهداة»[3] »علما هـمـچـون سـتارگان پرنور در ظلمات گمراهى‌ها هستند و اگر آن‌ها نباشند مردم گمراه مى‌شوند».

 »ان الله و ملائكته و اهل السموات والارض حتى النملة فى حجرها و حتى الـحوت فى الماء ليصلون على معلم الناس»:[4] «خدا و ملائكه و اهل آسمان و زمين، حتى مورچه‌ها در دل خاك و ماهيان دريا براى عالم، طلب رحمت مى‌كنند».

 «اْءن العالم يستغفرله من فى السموات و مـن فـى الارض حـتى الحيتان فى الماء»:[5] «همه‌ى آن‌چه در آسمان‌ها و زمـيـن اسـت، بـراى عـالم اسـتـغـفار مى‌كنند؛ حتى ماهيان دريا نيز براى او طلب بخشش از خداوند مى كنند».

 «فضل العالم على العابد كفضل القمر على سائر الكواكب»:]6[ «فضيلت عالم بر عابد، مثل فضيلت ماه درخشان است بر ستاره‌ها».

 «علماء امتى كانبياء بنى اسرائيل»:[7] «علماى امت من علمايى كه راه و روش من و اهل بيتم را برگزيده‌اند و عمل مـى‌كـنـنـد مانند انبياى بنى اسرائيل ارزشمند هستند».

 «موت قبيلة اسر من موت العالم»:[9] «تـحـمل مرگ يك جمعيت و قبيله، آسان‌تر از تحمل مرگ يك عالم است».

 «عالم ينتفع الناس بعلمه افضل من سبعين الف عابد»: «يك عالم تزكيه شده، كه مردم از علم او بهره مى‌برندـ و به خدا نزديك مى شوندـ از هفتاد هزار عابد ]‌كه فقط خود را نجات مى‌دهد[ برتر است».

 هـم‌چنيـن در روايـات آمده كه اين علمـاى وارستـه، وقتى وارد صحراى محشر مى‌شوند، تاج‌هايى از نور بر سر دارنـد كـه هنگـام ورودشـان، همه‌ى صحـراى محشـر نورانى مى‌شود[10] و لباس‌هايى در بردارند كه يك رشته‌ى ناچيز از تار و پود آن، از تمام دنيا و آن‌چه در آن هست، با ارزش‌تر است.[11]

 خـداونـد روز قيـامت به علما مقام شفاعت را عنايت مى‌كند[12] و بسيارى از مـردم بـا شفـاعت علما، وارد بهشت مـى‌شـونـد و خـود آن‌هـا نيز در جوار امامانشان، در بهشت جاى مى‌گيرند.[13]

 يكى از اين ستارگان

 در و ديوار حجره‌هاى مدرسه‌ى علميه "امام رضا"ى مشهد مقدس، بوى خوش عـالـمى را مى‌دهد كه سال‌هاى سال است در كوى محبوب معتكف شده و ده‌ها هزار صفحه كاغذ را به عشق و محبت مواليانش، ائمه هدى(عليهم السلام) پر از حكمت كرده و طلاب مدرسه شاهد بوده‌اند كه سال‌هاى درازى است كه او تـنـها در حجره محقر خويش، كه به سختى مى‌توان جاى پايى در آن پيدا كرد و از انبوه كتاب‌ها و نوشته‌ها بيرون آمد، مشغول تحقيق و تأليف است. او هيچ ادعايى ندارد و با تواضع عجيبى كه شايد در هيچ عالمى نتوان مشاهده كرد، زندگى مى‌كند.

 تواضعى كه از تعارفات مرسوم جامعه ما، فاصله بسيار دارد و همين امر بر غربت و تنهايى بيشتر اين عالم، دامن زده است و شايد هم اين دوستان خوب خدا، خود چنين مى‌خواهند و با زندگى معمولى و دور از انتظار ما، خواسته‌اند خود را از آفات جامعه و تكلفات آن دور كننـد، و مـا انسان‌هاى محروم عصر غيبت چقدر از حقيقت فاصله گرفته‌ايم كه شخصيت انسان‌ها را با ظاهر لباس و زنـدگيشـان مـى‌سنجيم؛ بعضى از ما چنان اسير ظاهر هستند، كه اگر عالمى در ماشين گرانقيمتى بنشيند، روى او حساب باز مى‌كنند. عده‌اى ديگر به عكس، عالمى را ارزشمند و با تقوا و زاهد مى‌دانند كه ماشينى ارزان‌قيمت و فرسوده داشته باشد.

 بعضى از ما انتظار داريم عالمى كه به او اقتدا مى‌كنيم، چنان زاهد و مقدس و دور از دنيا باشد، كه اگر همه چيز براى مـا حلال و مجاز باشد، او حق ندارد چنين زندگى كند؛ اگر ما ده‌ها عمل معمولى و حتى گناه انجام دهيم، او حق ندارد يك عمل عادى كه توجه ما را جلـب مـى‌كند، انجام دهد و خلاصه اين‌كه عالم ما بايد آهسته آهسته راه برود و نمازى بخواند و سرش در كتاب باشد و موعظه و نصيحتى كند و بس.

 همه‌ى اين انحرافات فكرى ما، به خاطر آن است كه درك درستى از جايگاه علمـا و انبيـاءـ كـه علمـا، جـانشين انبيـا(عليهم السلام) هستنـد[14]ـ نـداريم، چنان‌كه خداوند متعال در قرآن كريم، سخن مردمى را كه پيامبران خود را با تعجب مى‌نگريستند، چنين نقل كرده و مى‌فرمايد: «وَقَالُوا مَالِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الـطَّـعَـامَ وَيَـمْـشِى فِى الْأَسْوَاقِ [15]»: «مى‌گفتند اين چه پيامبرى است كه ميان مردم راه مى‌رود و غذا مى‌خورد و ازدواج مى‌كند». به راستى چرا چنين فكر مى‌كنيم و انتظار داريم راهنمايان الـهى، انسان‌هايى از جنس غير بشر باشند، مگر آن‌ها نمى‌خواهند با ما انس بـگيرند و راهنماى ما باشند؟ خداى تعالى در قرآن كريم مى‌فرمايد: «قُلْ ا؛ِنَّمَا اْءَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى ا؛ِلَىَّ»:[16] »بگو من هم بشرى مانند شما هستم، با اين فرق كه به من وحى مى‌شود»، تا ما از آن‌ها روش زندگى صحيح را بياموزيم؛ اگر بنا باشد علماى ما، مثل ما زندگى نكنند، چگونه مى‌توانيم روش زندگى را از آنان بياموزيم، در حالى كه شيطان به سراغمان خواهد آمد و خواهد گفت كه آن‌ها غير از شما هستند، آن‌ها عالمند، سرشان توى كتاب و قرآن و حديث است و از اين زندگى زياد سر در نمى‌آورند، شما نمى‌توانيد مثل آن‌ها باشيد، پس در صدد نباشيد مانند آن‌ها با تقوا شويد.

 آرى، تـواضـع اولياء خدا و علماى ربـانـى و خاكى بودن آنان، براى آن نيست كه با تشريفات زندگى ما آشنا نيستند و آن‌چه ما دوست داريم، آن‌ها دوست ندارند؛ بلكه براى اين است كه آن‌ها مى‌خواهند ما آن‌ها را غريبه تصور نكنيم و فكر نكنيم ايشان سختى‌ها و مـشـكـلات مــا را نمـى‌فهمنـد و مـا نمى‌توانيم مثل آن‌ها اهل تقوا و انس با خدا باشيم.

 حال با اين اوصاف، به سراغ شمه‌اى از حـالات عـالـمى متواضع و بزرگوار مـى‌رويم كـه قـفـسه‌هاى حجره‌ى او انباشته از كتاب‌هاى دستنويسى است كه راه چاپ‌خانه را پيدا نكرده‌اند و كنج عزلت كتابخانه شخصى صاحب خود را برگزيده‌اند، زيرا دارايى‌ها و ثروت‌هاى عصر غيبت، همان‌طور كه امام زمان خود را گم كرده‌اند، اين حقايق و معارف را كه در اعماق ده‌ها و صدها جلد كتاب جاى گرفته، نيز گم كرده‌اند و صرف بازى‌هاى دنيايى مردم مى‌شوند. ‌ ‌

 گمنام اما پر تلاش

 ايشان، عالم وارسته، حجت الاسلام والـمـسلـمـيـن "شـيـخ علـى فلـسفى (لطفى‌زاده)" ، از علماى برجسته، اما مهجور عالم تشيع است.

 تولد اين عالم بزرگوار،( در سال 1303 هـ .ش) بوده و از همان دوران كودكى، زير نظر پدر بزرگوارشان، كه از علماى آن‌زمان بودند، شروع به تحصيل علوم دينى كردند. پس از تحصيلات ابتدايى، از محضر ديگر بزرگان نيز استفاده‌هاى فـراوان بـردنـد، كـه ثـمـره‌ى سال‌ها تحصيل زير نظر اساتيد فاضل و تحت تربيت تعاليم خاندان عصمت، از ايشان اسوه‌اى از اخلاق و تقوى و استادى در فقه، به وجود آورد.

 اُنس با خدا

 مـناجات‌هاى نيمه شب، در خلوت تنهايى حجره‌ى طلبگى، آن‌چنان اين عالم بزرگوار را با پروردگارش مأنوس كرد، كه گويا به كلى از دنيا و همه‌ى آن‌چه در آن است، دل برگرفته و تنها انـيـسـش كـلام خـدا و فـرمـايـشـات معصومين(عليهم السلام) است.

 سـال‌هـا زنـدگـى در خلوت تنهايى حجـره‌هـاى مـدارس علميـه، علماى وارسته را با تنها انيس و شفيق انسان، آن‌چنـان مـأنـوس مـى‌سـازد، كه جز پـروردگار را نمى‌بينند و جز با كلمات گهربار اهل بيت(عليهم السلام)، با هر بينش و فكرى بيگانه مى‌شوند، تنها رفيقشان خدا مى‌شود و تنها مونسشان كلام اهل بيت عصمت و طهارت(عليهم‌السلام).

 ايـن‌جـاسـت كـه دلشـان از همه‌ى تعلقات دنيوى بريده و ظرفشان از هر آلودگى پاك مى‌شود و خداى متعال جزاى اين معامله‌ى پرارزش را در اين قـرار مى‌دهد كه ظرف روح پاك اين مؤمنين را، از معارف و حكمت‌هاى ناب سرشار مى‌كند.

 به فرمايش اين عالم بزرگوار، به جز دوران جـوانـى، كه به دليل مضيقه‌ى مـادى نـاچـار بودند مدتى براى كسب معاش، سراغ كسب و كار بروند، بقيه‌ى 82 سال عمر پربركتشان را يكسره وقف خدمت به اسلام و نشر علوم و معارف خـانـدان عـصمت و طهارت(عليهم السلام) كرده‌اند.

 ايشان چون بسيارى ديگر از علماى شيعه از تمام لذت‌هاى ظاهرى و زرق و برق دنيا چشم پوشيده و ساليان سال، دور از خانواده، در حجره‌اى بى آلايش، به تحصيل علوم اهل بيت(عليهم السلام) و تفقه در دين پرداخته‌اند، كه هيچ ثروتى با اين معامله معنوى قابل مقايسه و ارزيابى نيست.

 قلم پر بركت

 آرى، عالم ربانى، جناب "حاج شيخ على فلسفى"، در اثر اُنس با محبوب و تحصيل معارف اهل بيت(عليهم السلام)، و جستجـو نكـردن علم از غير خاندان عصمت و طهارت(عليهم السلام)،خود منبع فيض علوم و معارف بى‌پايان روايات آل رسول الله(صلي الله عليه و آله ) شده و از قلم پربركتش صدها جلد كتاب تراوش كرده است.

 اگر مردم دنيا كلام خاندان عصمت و طهارت(عليهم السلام) را بشناسند ‌ ‌

 به سوى اسلام حقيقى مى‌آيند

 ايشان معتقد است بيان فضائل و مناقب اهـل بيت عصمت و طهارت(عليهم السلام) باعث مى‌شود تا هم مردم شيعه و هم علما و دانشمندان دنيا، هرچه بيشتر با كرامات و فضائل خاندان عصت و طهارت(عليهم السلام) آشنا شده و مجذوب آن بزرگواران شوند، چرا كــه هـمــه‌ى خــوبـى‌هـا و كمـالات و جاذبه‌هاى محبت در آنان جمع است و تنها بيان معارف و سخنان آن بزرگواران، براى مردم دنيا، چه مسلمان چه غير مسلمان، قادر است قلب هر انسانى را، همچون آهن‌ربا، به سوى خود جذب كند، كه حضرت على بن موسى الرضا(عليه السلام) چه نيكو فرمودند:«لو علم الناس محاسن كلامنا لاتبعونا»:«اگر مردم دنيا كلام زيباى ما را مى‌شنيدند، حتماً به دنبال ما مى‌آمدند» و چرا چنين نباشد كه كلام اهل بـيت عصمت و طهارت(عليهم السلام)، نور حقيقى و هدايت‌گر دل‌ها و روشن كننده حـق از باطل است و مردم دنيا، چون پروانه‌ها كه به دنبال نورى در تاريكى هستند، مجذوب نور كلمات اهل بيت عـصمت و طهارت(عليهم السلام) مى‌شوند، فـقـط كـافـى است ما خدمت‌گزاران به مكتب اهل بيت(عليهم السلام)، اين كلمات نورانى را، در معرض ديد جهانيان قرار دهـيم؛ آن‌گـاه خـواهيم ديد ـ كه بسيار ديــده‌ايـم ـ آن هـا چـگـونـه خـود را از تاريكى‌هاى دنياى پر از شهوات و ماديات، به سوى اين نور مى‌كشانند. ‌ ‌

 تأليفات ارزشمند

 ايـن عـالم ربانى فعاليت‌هاى فوق العاده‌اى در شناساندن معارف ناب اهل بيت(عليهم السلام)، به وسيله تأليف كتاب انجام داده‌اند، كه ثمره‌ى اين تلاش‌ها بيش از هزار جلد تأليف پرارزش است كه بسيارى از آن‌ها منحصر به فرد و در نوع خود كم‌نظير است، كه البته اكثر اين تأليفات نسخه خطى و چاپ نشده از ايشان مى‌باشند.

 اولين كار: على بن ابى‌طالب(عليه السلام) مبتكر هزار علم در جامعه بشرى

 ايشان، چگونگى شروع فعاليت خود را در زمينه جمع‌آورى علوم و معارف اهل بيت(عليهم السلام) به شيوه‌اى خاص، چنين توضيح مى‌دهند: ‌ ‌

 آغاز فعاليت‌هاى من از آن‌جا بود كه روزى پاى منبر فردى نشسته بودم و او مـــــى‌خـــــواســـــت فـــضــــائــــل اميرالمؤمنين(عليه السلام) را بگويد، آن فرد روى مـنـبـر افـتخار مى‌كرد به اين‌كه امـيـرالـمؤمنين(عليه السلام) در علم نحو بياناتى دارد و اين را به عنوان فضيلت آقا بيان مى‌كرد؛ من آن روز از شنيدن ايـن سـخن بسيار ناراحت شدم، زيرا ائمه‌ى ما معدن علوم اولين و آخرين هـسـتند و افتخار كردن به اين‌كه آقا اميرالمؤمنين(عليه السلام) عالم علم نحو بود، نه تنها مدح نيست، بلكه پايين آوردن منزلت ايشان است؛ لذا بر آن شــدم تــا آن علــومــى را كـه امـيـر المؤمنين(عليه السلام) يا مبتكر آن بوده‌اند و يـا فراتر از علوم امروز بشرى بيان كـرده‌انـد، در مجمـوعه‌اى گردآورى كنـم؛ كه الحمدلله با كمك پروردگار موفق شدم مجموعه‌اى با عنوان "هزار علم على)عليه‌السلام"( را تأليف كنم، كه حدود 800 علم ايشان، در 20 جلد به چاپ رسيده است.

 دومين كار: سه هزار آيه در شأن على بن ابى طالب(عليه السلام)

 اقدام بعدى من تأليف كتابى بود كه در آن آيـــــاتـــــى را كـــــه در شـــــأن اميرالمؤمنين(عليه السلام) نازل شده، بيان كردم. انگيزه‌ى تأليف اين كتاب اين بود كه روزى در يكى از كتب اهل سنت خواندم كه: «شيعيان هر آيه‌اى در قرآن مـى‌بينند كه در آن وصف خوبى‌ها و بهشت شده است، مى‌گويند اين آيه در شأن على(عليه السلام) نازل شده، در حالى كه در اين مورد يك آيه‌ى صريح هم وجود ندارد و ...».

 من وقتى اين سخن را ديدم تصميم گرفتم، آياتى را كه به استناد روايات در شــأن علــى(عليه السلام) نـازل شـده، جمع‌آورى كنم، كه بحمدلله موفق شدم سه هزار آيه جمع آورى كنم كه اكثر آن‌ها را خـود اهـل سـنـت در كـتب‌شان به صــراحــت آورده‌انــد، كــه در شــأن اميرالمؤمنين(عليه السلام) نازل شده است.

 تأليفات بعدى

 اثر ديگر اين عالم ربانى، مجموعه كتابى است كه در آن شرح حال پانزده هـزار عـالـم شيعـه و سنـى، مختصراً توضيح داده شده است، كه با مطالعه‌ى آن مى‌توان شناختى اجمالى در مورد اين علما به دست آورد.

 اثر ارزشمند ديگر ايشان 14 جلد كتاب دربـاره‌ى چهـارده معصـوم(عليهم السلام) اســـت كـــه در آن‌هـــا هــر يــك از معصـومين(عليهم السلام) از نظر دو هزار دانشمنـد غيـر شيعـه و غير مسلمان، معرفى شده‌اند.

 جلد اول اين مجموعه، كتابى است با عنوان: «محمد( صلي الله عليه و آله ) از نظر دو هزار دانشمند غير مسلمان»، كه در آن مــدح و سـتــايـش دانشمنـدان غيـر مـسلـمـان، در بـاب شخصيت رسول اكــرم( صلي الله عليه و آله ) آمـده اسـت و همين‌طور راجع به اميرالمؤمنين(عليه السلام)، صديقه طاهره (سلام الله عليها) و همين‌طور وجود نازنين امام زمان(عليه السلام)، در هر جلد، مدح و ستايش دانشمندان غير شيعـه و غيـر مسلمـان دربـاره‌ى اين بـزرگـواران گـردآورى شـده است. به عنوان نمونه در جلد آخر اين مجموعه، فضـائلى كه يهوديان و مسيحيان در مـورد شخصيـت امـام زمـان(ارواحنا فداه) مطرح كرده‌اند، ذكر شده است.

 كتاب معجزات ائمه(عليهم السلام) از زبان كفار

 تـألـيـف پرمحتواى ديگر اين عالم سخت كوش، چند جلد كتاب در باب كـرامات و معجزاتى است كه كفار از چهارده معصوم نقل كرده‌اند و به حق بودن آن بزرگواران را اقرار كرده‌اند.

 از آن‌جا كه اين عالم بزرگوار، فوق العاده شيفته‌ى اين بوده‌اند كه چهره‌ى زيباى معنوى و كمالات و علوم سرشار اهـل بـيـت(عليهم السلام) به مردم دنيا شناسانده شود، تأليف ديگر ايشان هم مجموعه‌اى 14 جلدى است، در بيان فرمايشاتى كه چهارده معصوم(عليهم السلام) راجع به علوم روز داشته‌اند.

 هـدف از تأليف اين مجموعه، آشنا كردن بيشتر مردم، با علوم بى منتهاى خاندان عصمت(عليهم السلام) است.

 دوازده هزار شعر در مدح اميرالمؤمنين(عليه السلام)

 آيت الله فلسفى تأليفات جذابى هم مـشـتـمـل بـر اشـعـار سروده در مدح اميرالمؤمنين(عليه السلام) دارند:

 1ـ كتابى مشتمل بر دوازده هزار شعر در مورد على(عليه‌السلام).

 2ـ كتابى راجع به اشعارى كه در مورد معجزات اميرالمؤمنين(عليه السلام) سروده شده است.

 3ـ كتابى راجع به اشعارى كه كفار و اهـل سـنـت راجـع بـه مولاى متقيان سروده‌اند. ‌ ‌

 خواندن اين تأليفات براى صاحبان ذوق بسيار جذاب است.

 300

 جلد كتاب در معرفى امام‌زادگان، اين برگزيدگان الهى

 از همـه‌ى ايـن‌هـا گذشته، يكى از مهم‌ترين فعاليت‌هاى آيت الله فلسفى، در طول عمر شريفشان، تلاش ايشان براى شناساندن امام‌زاده‌ها، به عنوان نـــوادگـــان خـــانــدان عـصـمــت و طهارت(عليهم السلام) و مظهر افتخار تشيع به مردم دنياست.

 ايشـان مـى‌فرمودند: علوّ اسلام به واسطه‌ى همين امام‌زاده‌هاست؛ وقتى امـام‌زاده‌ها به مردم شناسانده شوند، مكان امام‌زاده محلى مى‌شود براى ذكر خدا و اهل بيت(عليهم السلام)، كه مردم در ايـام عـزادارى سـالار شهيدان و ساير مناسبت‌ها در آن‌جا، گرد يكديگر جمع

 شــــده، از فــضــــائـــل خـــانـــدان عصمـت(عليهم السلام) سخن مى‌گويند و همين باعث مى‌شود كه اسلام هر روز علو بيشترى پيدا كند و دين مردم زير سايه‌ى امام‌زاده‌ها محفوظ بماند.

 لذا آيت الله فلسفى در 300 جلد تأليف ارزشمند خود، حدود صد هزار امام‌زاده راـ در ايران و يا خارج از ايرانـ با شرح مختصرى، معرفى فرموده‌اند.

 تهيه شجره‌نامه براى هزار امام‌زاده در ايران

 همچنين در جهت ماندگارى نام اين بزرگواران، فعاليت فوق العاده‌اى براى تهيه‌ى شجره نامه امام‌زاده‌هاى بزرگ داشته‌اند. به طورى كه با تلاش پيگير آيت الله فلسفى، تا كنون براى هزار امام‌زاده، در شهرها و روستاهاى ايران و هـمـچنين امام‌زاده‌هايى در خارج از كـشـور، شجره نامه تهيه شده است. ايشان هم اكنون نيز با وجود كهولت سن، به اين فعاليت مقدس مشغولند و با درخواست مردم قريه‌ها و شهرها، براى امـام‌زاده‌هاى آن اماكن، شجره نامه تهيه مى‌كنند كه همين باعث مى‌شود منزلت و جايگاه امام‌زاده‌ها، نزد مردم تعالى يابد و به محبت قلبى آن‌ها به نوادگان خاندان عصمت(عليهم السلام)، روز به روز افزوده شود.

 ساير آثار

 آن‌چـه از خـدمـات و فعـاليـت‌هاى ارزشمند عالم وارسته، آيت الله "شيخ على فلسفى"، بيان شد، تنها بخشى از خدمات ذى قيمت اين عالم بزرگوار، در طـول عـمـر شريفشان است، هرچند مـعرفى تمام‌آثار و تأليفات ايشان در مـجال اندك ما نمى‌گنجد؛ اما براى آشـنايى بيشتر با خدمات آن بزرگوار، بخشى از تأليفات ايشان را فهرست‌وار معرفى مى‌كنيم:

 1ـ خـلاصـه‌ى بيوگرافى و زندگانى حضرت على(عليه السلام) ‌ ‌

 2ـ بـخـشـى از پـيـشـگـويـى‌هـاى آخرالزمان (7 جلد)

 3ـ مسلمـان شدن كفار از كربلا تا مدينه به واسطه امام حسين(عليه السلام) ‌ ‌

 4ـ محـرّميـه، بـه نام نهضت امام حسين)عليه‌السلام) (2 جلد)

 5ـ صفريّه (3 جلد)

 6ـ تكلم سر مقدس امام حسين(عليه السلام) در صد و بيست جا

 7ـ قرآن از ديدگاه دو هزار دانشمند غير شيعه

 8ـ نهـج البلاغـه از ديـدگـاه هـزار دانشمند غير شيعه

 9ـ اسلام از ديدگاه سه هزار دانشمند غير مسلمان

 10ـكنز الاْءخبار

 11ـاسرار و احكام حج

 12ـجهاد و ثواب آن

 13ـرد مسيحيان

 14ـعلائم الظهور

 15ـقضاوت‌هاى اميرالمؤمنين(عليه السلام) ‌

 16ـزندگانى حضرت رقيه (سلام الله عليها) ‌

 17ـمـعـرفـى ده هـزار زيـارتـگاه از زيارتگاه‌هاى جهان

 18ـاشعار و حكايات منتخبه

 19ـزنــدگـانـى شهـدا و يـاران امـام حسين(عليه السلام) ‌

 20ـزندگانى حضرت عباس، حضرت على اكبر و حضرت على اصغر)عليهم‌السلام) (در سه جلد)

 21ـزنـدگـانـى حـضـرت موسى بن جعفر(عليه السلام)

 22ـزندگانى امام رضا(عليه السلام) ‌ ‌

 23ـمراحل بعد از موت

 24ـراه حل هزار مشكل

 و هزار جلد كوچك و بزرگ از تأليفات ارزشمند ديگر.

 غبار غربت بر هزار جلد تأليف

 حال كه مهمان تنهايى آيت الله فلسفى شده و با خدمات و آثار ارزشمند اين عالم گمنام آشنا شديد، خوب است بدانيد كه از هزار جلد اثر ارزشمند اين عالم بزرگوار، تنها 40 جلد آن تا كنون در معرض چاپ قـرار گـرفـتـه اسـت و بـر پيكر بقيه‌ى تأليفات، كه نتيجه‌ى سال‌ها تلاش و زحمت آن بزرگوار است، سال‌هاست كه در كنج كتابخانه‌ى ايشان، گرد و غبار غربت و مهجوريت نشسته است.

 غربت اين آثار، تا آن‌جا قلب اين عالم ربانى را آزرده است كه خود مى‌گويد:

 «اى كاش دست غيبى پيدا بشود و اين آثار را در معرض چاپ قرار دهد، چون مى‌ترسم پس از مرگم، اين نوشته‌ها، كه حاصل يك عمر تلاشم است، همه از بين برود و قدرش شناخته نشود».

 نهضت احياء كتب ارزشمند دينى

 يكى از فعاليت‌هاى مهم مرحوم آيت اللـه الـعـظـمى بروجردى( رحمه الله عليه)، بنيان گذارى نهضت چاپ و ترجمه كتب علما بود. ايشان در راستاى قدر شناسى از علماى دين، نُسَخ خطى علما را از كنج كتابخانه‌هاى شخصى بيرون آورده و با چاپ آن‌ها، عموم مردم را از معارف و علوم آن بزرگان بهره‌مند مى‌كردند.

 حال، در زمان ما، كه به لطف الهى، شيعه عزت فراوان يافته و حتى حكومت اسلامى تشكيل داده، و امكانات كنونى ما، ده‌ها برابر امكانات آن‌زمان آيت الله بـروجردى( رحمه الله عليه) است، بايد كمر هـمت ببنديم و با چاپ آثار ارزشمند علـمـا، دنـيايى را با شخصيت والاى علماى شيعه و معارف ناب محمدى( صلي الله عليه و آله ) آشنا كنيم، تا به پاس اين شكران نعمت، خداى متعال بيش از گـذشـته ما را از نعمت وجود علماى تزكيه شده، برخوردار كند و ما بتوانيم از علـوم و مـعـارف آن‌ها بيشتر استفاده كـنيـم. چـرا كـه بـه فـرمـايـش امـام معصوم(عليه السلام)، علما، حافظان ايمان مردم در برابر حملات و دسيسه‌هاى شياطينند و اگر در جمع مردم نباشند، هر آينه انحرافات و دام‌هاى شياطين، همه‌ى مردم را در خود مى‌بلعد و حتى يك‌نفر با ايمان باقى نمى‌ماند.

 اگر زمانه سخت نبود پنج‌برابر آن‌چه نوشته‌ام، مى‌نوشتم

 ايشـان در پـايـان سخنانشان اظهار داشتند: «من در اوائل جوانى، براى تأمين معاش، به ناچار سراغ كسب و كار رفتم، براى همين هم از قافله عقب افتادم؛ اگر از همان ابتدا به خدمت به دين و تلاش براى شناساندن اهل بيت عصمت و طهارت(عليهم السلام) به جهانيان اقدام مى‌كردم، هم اكنون پنج برابر اين تـأليفات و خدمات را داشتم؛ اكنون افسوس مى‌خورم كه اين‌طور نشد. لذا به آقايان طلاب سفارش مى‌كنم كه اگر مــى‌خـواهنـد در قيـامـت، نـزد ائمـه هـدى(عليهم السلام) و اكـنون نزد امام زمان(ارواحنا فداه) معزّز باشند و حضرت از آن‌ها راضى باشند، بايد كارى كنند كه مـعـارف آل محمد( صلي الله عليه و آله ) بين مردم نشر و گسترش يابد؛ چرا كه مردم جهان امروز داراى رشد فكرى بالايى هـستند و به سرعت مجذوب كلمات نورانى ائمه(عليهم السلام) مى‌شوند.

 پى‌نوشت‌ها:

 [1]ـمنية المريد/ ص14 )ما من احد يموت من المؤمنين اْءحب الى ابليس من موت فقيه(

 [2] ـ آداب تــــــعلـــــيـــــم و تـــــعلــــم در اسلام/ص97

 [3] ـ منية المريد/ص9

 [4] ـ منية‌المريد/8

 [5] ـ منية المريد/ص11

 [6]ـ منية الريد/ص11

 [7] ـ بحارالانوار/ج2/ص22

 [8]ـ منية المريد/ص13

 [9] ـ كنز العمال/10/166

 [10] ـ مكيال المكارم/ج2/ص278

 [11] ـ آداب تعليم و تعلم/ص97

 [12] ـ خصال صدوق/ص156

 [13] ـ مكيال المكارم/ج2/ص278

 [14] ـ الــعلـمــا ورثــة الانـبـيــاء/ بحارالانوار/ ج1/ص164

 [15] ـ سوره فرقان/ آيه 7

 [16] ـ سوره